

متن پرسش

سلام به استاد: با تبریک به مناسبت روز عرفه که به ما خبر داده‌اند اهل ایمان در این روز در اُنس با خداوند به کمالات خاصی نایل می‌شوند و شنیده‌ایم در این روز غوغایی در جان اهل ایمان به پا می‌گردد و همان‌طور که گفته‌اند روز عرفه برای خود، عیدی است که خداوند عیدی هرکسی را با نور لقاء خود می‌دهد. بفرمایید ما چه کنیم که از این غافله عقب نمانیم و یا لااقل بی‌بهره نگردیم؟!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: همین‌طور است که می‌فرمایید. روز، روز تجربه توحیدی است تا انسان اصیل‌ترین معنای خود را که همان عین ربط به حضرت معبود است؛ تجربه کند و در بیکرانگی حضور خود در عین «فقیرِ اِلَى اللَّهِ» در آغوش غنی مطلق، احساس حضور کند. تنها کافی است به تکرار سوره توحید یعنی «قل هو الله احد» توجه کنید که ۳۰۱ مرتبه در مجموع آن را تکرار می‌کنید و علاوه بر آن ۱۰۰ مرتبه آیت الکرسی که نور توحید است به تمام معنا، تکرار می‌کنید که در آن آیه مبارک، نظر به ولایت حضرت محبوب بر اهل ایمان دارید. آن چنان انسان احساس می‌کند این روز بزرگ و پر ظرفیت است که انسان از عظمت رسول خدا «صلوات‌الله‌علیه‌وآله» در حیرت است که چگونه متوجه ظرفیت چنین روزهایی می‌باشند و ما را متذکر آن می‌کنند. بنده در رابطه با روز عرفه برای رفقا چنین نوشتم:

«عرفه؛ به میان آمدنِ فضا و افقی است برای تجربه هرچه بیشتر «توحید»، تا حضور حضرت حق را در همه ابعاد عالم وجود به بهترین شکل تجربه نماییم. شیطان را که حجاب حضور ما در محضر خداوند است، بسته‌اند تا آن حضور را با عمیق‌ترین صورت تجربه کنیم.»

جناب استاد علی پیرعلی نیز اخیراً در این رابطه سروده‌ای داشتند که می‌توان همراه با سروده ایشان بهتر در عرفه حاضر شد. موفق باشید

بسم الله الرحمن الرحيم

عرفه معنی عرفان به میان آمده است

سرالاسرار حق از دل به زبان آمده است

عرفه وقت مناجات خداوند دل است
وقت دل کندن از مزرعه آب و گل است
عرفه نورالهی است که شیدا گردی
در مناجات خدا غرق تمنا گردی
مشعر ورمی و طواف هروله و سعی و صفا
قلم عاجز شود از وصف دل آرای منا
شو مهیا که کنی نفس بهیمی قربان
پیر زنی بر قفل حکمت و عشق و عرفان
در و گوهر ز لب حضرت عشق جاری شد
اشک و خونابه دل بر رخ گل ساری شد
بشکست قید و به یکباره ز احرام برون
یکسره تاخته تا وادی اسرار جنون
کربلا بهر حسین گشت چو وادی منا
نسک بعد حسین کالبدی بی معنا
او که قربانی اصلاح شریعت گشته
روی نی قاری قرآن سر بی تن گشته
اسم اعظم به حروفش شده غرقابه خون
اکبر وقاسم وعباس زهیر مسلم، جون
زینب آن قافله سالار و پیام آور عشق
خطبه حیدری اش کوفه بلرزاند ودمشق

بعد عاشورا همه روز و زمین کربلا
امتحان من وتو است گردش افلاک و سما
سیر تاریخ کنون سر زده تا عصر ولا
انقلابی شد وگشت بیمه ز خون شهدا
کل یوم هو فی شان و تمنای حضور
بر زبان از دل خلق جلوه حق کرد ظهور
فکه بستان و شلمچه همه جا کربلاست
رو نما هر طرفی غزه و شام وجه الله
است
پیچ تاریخی ما روسیه چین و نزوئلا
همه جارا بگرفت پرتو توحید و ولا
پای فرهنگ توهم همه در گل مانده
فاش گوید همه عالم که سلام فرمانده
لشکر وهم گر از یاس سرود و ظلمات
عقل گوید همه نور است به مهدی صلوات
حاج قاسم حججی با شهدا می آیند
ره قدس را ز ره کربلا پیمایند
قلب ها پر شود از جلوه زیبای ظهور
پرده افتد ز رخ آیت قرآنی نور